

## هو الله تعالى شأنه العظمة و الاقتدار

ای امین بعنایت ربّ العالمین بافق مبین فائز شدی و باشراقات انوار جمال قدم در این نیر ایّام موفق گشتی امر در قبضه قدرت حقّ بوده و خواهد بود بسا از نفوس را بعد از اقبال از ادنی مقام باعلی ذروه امتناع که مقرّر تجلّی انوار وجه است کشاند و بافق ابهی رساند و بعضی را از اعلی علوّ بما اکتسبت ایدیهیم به پست‌ترین مقام مقرّر دهد آنه یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید نیکو است حال نفسی که از کأس انقطاع در ایّام مالک ابداع نوشید و بخلوص تمام بخدمت سلطان انام قیام نمود چنانچه مشاهده مینمائی که بعضی از افق انقطاع بشأنی طالع شده‌اند که جز حقّ را مفقود و معدوم شمرده‌اند و از ما عندهم لما عند الله گذشته‌اند این نفوس اگرچه اقلّ از کبریت احمر بوده و خواهند بود و لکن در این ایّام بفضل رحمانی و عنایت ربّانی معدودی مشاهده میشوند که بکمال همّت در خدمت امر کمر بسته‌اند قدر این نفوس الیوم معلوم نه و لکن ونفسی الحقّ یجعلهم الله فی الظّاهر و الباطن مرجع کلّ ذکر خیر آنه لهو المقتدر القدر

من قبل المظلوم جمیع احباب را تکبیر برسانید وصیّت مینمایم جمیع بریّه را بر استقامت بر امر و دیانت و امانت که لم یزل و لایزال محبوب بوده طوبی لمن زین هیكله بقمیص الأمانة باید کلّ باین قمیص منیر فائز شوند تا جمیع من علی الأرض از عمل احبّای حقّ مهتدی گردند نفس عمل خیر هادی عباد بوده چنانچه مشاهده شد که از بعضی از احبّای الهیّه که بعضی اعمال حسنه ظاهر بنفس آن اعمال ناس اقبال نمودند و بشاطی بحر احدیّه متوجّه شدند شیئی بی‌رائحه خلق نشده از برای کلّ اشیاء عرفی بوده و خواهد بود طوبی لنفس یتضوّع منها عرف قمیص التّقدیس آنها من خیرة الخلق لدی الحقّ ان ربّک لهو العلیم الخیر نعیماً لک یا امین بما اقبلت و دخلت و حضرت و فزت و رأیت و سمعت نداء ربّک العلیّ العظیم باید بحرارت محبّت الهی در هر بلدی چنان ظاهر و مشتعل باشی که کلّ از آن حرارت بحرکت آیند و بقلوب بشطر محبوب توجه نمایند چه که سبیل رجل مقطوع است بما اکتسبت ایدی الظّالمین ای امین علّت حرکت حرارت بوده و علّت حرارت کلمه الله لذا باید احبّای بنار کلمه الهیّه عباد را از شمال ظنون بیمین یقین کشانند و از حرارت کلمه ربّانیّه چنان بحرکت آیند که از عوالم نفسیّه فانیه بمعارج منیعّه باقیه عروج نمایند ای امین اگر ناس باداب و اخلاق ربّانیّه که در الواح منزله ثبت شده عامل میگشتند هرآینه مشاهده مینمودی من علی الأرض را مقبلاً الی الله ربّک و ربّ العالمین

و مقام تقدیس و تنزیه و اقبال و قرب و لقا با امورات ظاهره منافات نداشته و نخواهد داشت در این ظهور اعظم کلّ بکسب و اقتراف و صنائع متوکلاً علی الله المهیمن القیوم مأمورند و این حکم در الواح مؤکداً نازل طوبی لمن فاز بما امر من لدن ربّه الحکیم العلیم افرح یا امین بما زیناک بقمیص الأمانة ثمّ احفظ هذا المقام قل لک الحمد یا اله العالمین نسأل الله ان یوقفک فی کلّ الأحوال و یؤیدک علی ما اراد الله ولیّ المحسنین ببعضی از بلاای این مسجون مطلع شده‌ئی بر هر ذی بصری میرهن است که در بحر بلایا متغمّسیم و تحت ایادی ظالمین جالس چه که با احدی از اعلی العباد من اهل الظّاهر و ما دونهم مدهانه در امر الله نمودیم چنانچه از الواح منزله که بر رؤسای ارض ارسال شده مستفاد میشود لذا بر هر منصف بصیری واضح و معلوم است که جمیع آن نفوس سرّاً با کمال کین در قصد این ناطق مبین بوده و هستند و مع این امور در کلّ احیان ناس را بحق خوانده و میخوانیم اگر اقلّ من آن ناس در ما ظهر تفکر نمایند یقین میدانند که این امر بقدره الله ظاهر شده و بکمال سلطنت و اقتدار الهیّه باهر گشته و ابدأ باسایش و راحت و خلاصی خود ناظر نبوده و نخواهد بود مثل او مثل عندلیبی است که تحت مخالف ظلم گرفتار شده

ای اهل ارض بشنوید ندای این مظلوم را که خالصاً لوجه الله ندا مینماید و قدری در دنیا و حوادث و عواقب آن تفکر نمائید و هم‌چنین در ما اشرق من افق الأمر و ما ظهر فی ایّامه شاید این قدر ادراک نمائید که صاحب ندا لله میفرماید و بامر

اللّٰه تكلم مینماید تا از نفاق غافلین و ظنون متوهمین چه نفوسی که باسم حقّ مذکورند و چه دون آن از مقامات باقیه ممنوع و محروم نمایند این مسجون را مثل هدف مشاهده نمائید و از جمیع اطراف سهام متوالیاً متواتراً بر او میآید ولکن از عنایت الهیه تا حال محفوظ مانده و بعد الأمر بیده انّی احبّ ما احبّه و ارید ما اراده و اشتاق ما قضی اللّٰه لی لأنّ ما یظهر من عنده هو محبوبی و محبوب قلبی انّه خیر لی انّه لهو الغفور الرّحیم

ای امین آنچه در حضور القا شد باید بکمال حکمت معمول داری اذا تمرّ علی البلاد قل یا الهی و سیّدی و محبوب فؤادی و رجاء قلبی و المذكور فی ظاهری و باطنی اسألك باسمک الّذی انفق نفسه فی سبیلک و حمل البلیا فی حبّک و اظهار امرک ان ترسل علی هذه الدیار نفحات قمیص رحمتک و الطافک ای ربّ هؤلاء عبادک و هذه دیارک ولو انّهم احتجّبوا بأهوائهم و بها منعوا عن التّوجّه الی شطر فضلک و الاقبال الی کعبه عرفانک ولکن انت الّذی سبقت رحمتک الکائنات و احاط فضلک الممكنات اسألك باسمک الباطن الّذی ظهر بسلطانک و جعلته مهیماً علی من فی ارضک و سمائک ان لا تدع هؤلاء بأهوائهم انزل علیهم ما یجعلهم مقبلین الی شطر عنایتک و ناظرین الی وجهک فانظر الیهم یا الهی بلحظات رحمانیتک و خذ ایادهم بقدرتک و سلطانک اخرج یا الهی من جیب عنایتک ید قدرتک و بها اخرق الحجب التّی حالت بینهم و بینک لیسرعنّ کلّ الی شریعة قریک و یطوفنّ حول ارادتک و مشیتک لو تطردهم من یخلّصهم من النّار یا نور السّموات و الأرضین

و حسب الأمر هر یک از احبّای الهی را ملاقات نمودی متوجّهاً الی هذا الشّطر البتّه من قبل الحقّ امر برجوع نمائید چه که امر این ارض بسیار صعب شده و بی اذن هم حاصلی نخواهند برد این است حکم محکم امریه که از قلم اراده باذن مالک بریّه جاری شده و البهآء علی من اتّبع الحقّ و سمع ما امر به